بسم الله الرحمن الرحیم

[خطبه اول 2](#_Toc438303609)

[عظمت شخصیتی حضرت حمزه (ع) 2](#_Toc438303610)

[تاریخچه جنگ احد 3](#_Toc438303611)

[تشریح این جنگ و نحوه شهادت حضرت حمزه (ع) 3](#_Toc438303612)

[علت شکست جنگ احد 4](#_Toc438303613)

[حضرت حمزه (ع) در آیات 5](#_Toc438303614)

[داستان اسلام آوردن ایشان 5](#_Toc438303615)

[قصه شب شهادت حضرت حمزه (ع) 6](#_Toc438303616)

[خطبه دوم 7](#_Toc438303617)

[توصیه به تقوا در نهج‌البلاغه 7](#_Toc438303618)

[عدم امکان فرار از مرگ 8](#_Toc438303619)

[سالروز حماسه تاریخی 19 دی 8](#_Toc438303620)

[لزوم شناخت دقیق انقلاب 9](#_Toc438303621)

[لزوم اهتمام به امر کشاورزی 9](#_Toc438303622)

[نقش کشاورزی در استقلال هر جامعه 9](#_Toc438303623)

[برخی از موانع رشد کشاورزی در کشور ما 10](#_Toc438303624)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2) عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همه شما نمازگزاران گرامی، برادران و خواهران و خودم را به احتراز از گناهان و خواهش‌های نفس و طاعت خداوند و تقوای الهی ذکر و شکر او در همه حالات دعوت می‌کنم. از خداوند می‌خواهیم توفیق بندگی خود را به ما عنایت بفرماید.

## عظمت شخصیتی حضرت حمزه (ع)

در جلسات قبل داستان حضرت ابراهیم (ع) را در قرآن کریم بحث کردیم، هم‌زمان با شهادت حضرت حمزه سیدالشهداء (ع) در این خطبه از شخصیت عظیم‌الشأن عموی پیامبر صحبت خواهیم کرد؛

به نکاتی در قبال این چهره بزرگ بنی‌هاشم در اینجا اشاره می‌کنم. امیدواریم این سخنان موجب آشنایی هرچه بیشتر با چهره‌های برجسته صدر اسلام خصوصاً ایشان قرار بگیرد. همه می‌دانید که قبل از امام حسین (ع) صفت سیدالشهدا، به حضرت حمزه (ع) تعلق داشت. به دلیل گره خوردن شخصیت ایشان به جنگ احد، در ابتدا به داستان جنگ احد اشاره کرده و پس از آن به ابعاد شخصیتی ایشان اشاره خواهیم کرد.

### تاریخچه جنگ احد

این جنگ در همین ماه شوال در سال 3 هجرت رخ داد. بعد از اینکه مشرکان مکه در جنگ بدر شکست تلخی را تجربه کردند، کفار و مشرکان مکه درصدد جنگ تمام‌عیار دیگر برآمدند و آن‌طور که از تاریخ برمی‌آید کفار و مشرکان مکه و سران آن‌ها تمام تلاش خود را مبذول داشتند تا جنگ تمام‌عیاری را با مسلمانان بپردازند و جبران شکست جنگ بدر را بکنند. این تلاش در فاصله یک سال گاهی درگیری‌های جزیی میان سپاه اسلام و کفر رخ داد. این درگیری‌ها سرایا و کوچک بود. در جنگ بدر مسلمانان با جمعیت اندک و کمترین امکانات با روحیه قوی و رشادت و دلاوری روبه روی کفر هستند. علی‌رغم اینکه موازنه قدرت به نفع سران مکه بود، مسلمانان پیروزی را به نام خود رقم زدند.

این داغی بود که بر آن‌ها قرار داده شد و درصدد انتقام‌جویی برآمدند. در طول یک سال خود را از لحاظ امکانات مادی و تدارکات جنگ آماده کردند. پس از ماه مبارک رمضان بود که سپاه مشرکان مکه و قریش به سمت مدینه برای جنگ جدیدی با مسلمانان آمدند.

### تشریح این جنگ و نحوه شهادت حضرت حمزه (ع)

وقتی نبی مکرم اسلام (ص) توسط جاسوسان خود مطلع شدند که لشکری در مکه تجهیز شده تا به مدینه و پایگاه حکومت اسلامی هجوم آورد، حضرت مردم را جمع کرد تا آمادگی را برای مردم به وجود آورد. حضرت فرماندهانی را تعیین کردند و برنامه‌ریزی‌ای نمودند. تاریخ به ما می‌گوید دو نظریه در این جنگ وجود داشت؛ یک نظریه می‌گوید ما در مدینه می‌مانیم و به نحو دفاعی نظیر جنگ خندق و احزاب از خود دفاع می‌کنیم، گویا رسول خدا (ص) این نظر را داشتند.

در نقطه مقابل بسیاری این نظریه را داشتند که با سپاه مهاجم در بیرون از شهر مدینه با آن‌ها می‌جنگند. بسیاری از جوانان که شور حماسی داشتند این پیشنهاد را دادند. بحث‌هایی در این زمینه درگرفت. نهایتاً رسول خدا (ص) علی‌رغم اینکه نظر اول را داشتند، با نظر دوم همراه شدند چراکه آن‌ها اکثریت بودند. سپاه مسلمانان مجهز شد و به سمت بیرون از مدینه رفت. در مکان کوه‌های احد امروزی حضرت سپاه را متوقف کرد. دو سپاه در دو طرف کوه در مقابل هم قرار گرفتند. حضرت جمع 50 نفری را در جایی که احتمال نفوذ دشمن می‌رفت گماشت.

در جنگ احد مثل جنگ بدر مسلمانان با دلاوری هرچه بیشتر در مقابل آن‌ها ایستادند و جمع زیادی از آن‌ها را به خاک و خون کشیدند و علی‌رغم کمبود امکانات رفت این جنگ تا همانند جنگ بدر بشود، لذا سپاه دشمن مغلوب شد، ولی پس از فاز اول به دلیل تخلف گماشتگان بر عقبه که به سمت غنائم رفتند، دشمن از همان محل حمله کرد. دشمن زخم‌خورده که با همه وجود می‌خواهد انتقام بگیرد و از طرفی دیگر سپاه اسلام که در جنگ بدر پیروز شده بود، در فاز اول این جنگ نیز پیروز شده بود، اکنون نیز گرفتار غروری شدند و به دنبال غنائم رفتند و تخلف کردند (چراکه مأمور بودند تا پایان کارزار در نقطه معین‌شده قرار بگیرند) که در چرخشی ناگهانی سرنوشت جنگ به گونه دیگری رقم خورد.

### علت شکست جنگ احد

در این مرحله دوم جنگ است که مسلمانان که در طول چند سال گذشته با ایمان و توجه به الطاف الهی و زیر پرچم رسول خدا (ص) بارها و ازجمله در جنگ بزرگ بدر و در مرحله اول این جنگ پیروزی‌های عجیبی را کسب کرده بودند، در این جنگ شکست خوردند، لذا آیات زیادی نازل شد، نقاط ضعف بدان‌ها گوشزد شد، بدان‌ها دلداری داده شد که هر شکست می‌تواند مقدمه‌ای برای پیروزی باشد و امتحانی از جانب خداوند است.

نام حضرت حمزه با این جنگ گره خورده چراکه مهم‌ترین شهید جنگ احد در مرتبه دوم حضرت حمزه بود، این از غم‌های بسیار شکننده برای رسول خدا (ص) بود. طبق نقل تاریخ حضرت عبدالمطلب 16 فرزند داشت؛10 پسر و 6 دختر از چندین مادر. درواقع نبی خدا (ص) 9 عمو و 6 عمه داشتند و در میان عموهای ایشان چند درجه ایمانی مشاهده می‌شود؛ ابوطالب، حمزه، عباس، ابی‌لهب، عبدالله (که قبلاً از دنیا رفته بود.) و ...؛ این 4 نفر از افراد شاخص در میان عموهای حضرت بود. جالب است که در میان خانواده عظیم‌الشأن عبدالمطلب که دودمان بزرگی در میان عرب بود و به حضرت ابراهیم (ع) متصل می‌شد، یکی از آن‌ها ابی‌لهب بود که در شأن او نازل شد؛ **«تَبَّتْ یدا ابی‌لهب وَ تَب»[[3]](#footnote-3)**

در میان دشمنان اسلام تنها نام او در قرآن ذکر شده است که در برابر پیام نجات‌بخش برادرزاده خود و خاتم انبیاء مقاومت کرد. عباس در سطح معمولی‌ای مثل سایر عموهای حضرت بود. حضرت حمزه و ابوطالب دو فرد شاخص بودند که آیاتی از قرآن در مدحشان نازل شده است. یعنی دو گروه مختلف در عموهای حضرت قرار دارند.

### حضرت حمزه (ع) در آیات

در ذیل آیه **«فی بُیوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ یذْکرَ فی‌ها اسْمُهُ یسَبِّحُ لَهُ فی‌ها بِالْغُدُوِّ وَ الْآصال»[[4]](#footnote-4)**

در روایات فرموده شده که مقصود امیرالمؤمنین (ع)، فاطمه زهرا (س)، حسنین (ع)، حضرت حمزه (ع) و حضرت جعفر (ع) است. طبق آیه این افراد از مردمان بزرگی هستند که هیچ‌گاه چیزی آن‌ها را از ذکر خدا بازنمی‌دارد. در آیه **«أَ فَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلامِ فَهُوَ عَلی نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَیلٌ لِلْقاسِیةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِکرِ اللَّهِ أُولئِک فی ضَلالٍ مُبین»[[5]](#footnote-5)**

ذیل آن در روایات وارد شده که مربوط به حضرت حمزه (ع) و امیرالمؤمنین (ع) است که خداوند قلوب آن‌ها را گستراند و بر نوری قرار داد.

### داستان اسلام آوردن ایشان

داستان اسلام آوردن حضرت حمزه بدین نحو است که؛ عده‌ای به نبی خدا (ص) هجوم آوردند که حضرت حمزه (ع) عصبانی شد و ابی جهل که مهاجم به رسول خدا (ص) بود را بر زمین کوبید و انتقام آن حرکت را از او گرفت، در این گیرودار کسی گفت که مگر تو مسلمان شده‌ای و به رسول خدا (ص) ایمان آورده‌ای؟ در همان حالت غضب شهادت را بر زبان جاری کرد. وقتی به منزل بازگشت با خود خلوت کرد که این شهادتین در حالت غضب بوده است و از جایگاه خاصی برخوردار نیست و از روی معرفت جاری نشده است.

این حالت دل‌چسب او نبود. چراکه از روی عصبانیت و تعصب خانوادگی بود. وجدان بیدار ایشان به او خطاب کرد که این ارزش ندارد، آن را خدمت رسول خدا (ص) بیان کرد و از ایشان خواست که آیاتی از قرآن را برای او بخواند و برای او استدلال کند. پس از این او باز شهادتین را خواند. این خیلی مهم است که مبانی دینی و عقایدی فرد بر اساس معرفت باشد. در همان جلسه اشعاری خواند و در همان جلسه سرباز و مؤمن واقعی گشت و در کنار رسول خدا (ص) قرار گرفت.

### قصه شب شهادت حضرت حمزه (ع)

نکته دیگری که در شب شهادت ایشان واقع شده که نکته معنوی و اخلاقی است این بوده که در شب شهادت ایشان در جنگ احد رسول خدا (ص) حمزه را فراخواند و گویا به او اشاره کردند که ممکن است به شهادت برسی. من می‌خواهم اعتقادات تو را تصحیح کنم. این سنت بوده که افراد نزد بزرگان دین می‌رفتند تا اعتقادات خود را تصحیح کنند. حضرت اعتقادات را از او پرسیدند و حضرت حمزه (ع) جواب دادند که آنچه شما بگویید درست است. حضرت شروع به القاء این اعتقادات کردند؛ توحید و وحدانیت را القاء نمودند. معاد، قیامت، رسالت، امامت را برای او تشریح کردند. روایات مفصلی در این رابطه در جلد 22 بحار مبسوطاً نقل شده است.

ازجمله آن اعتقادات این است که خود تو حمزه سیدالشهدا هستی که در اینجا حضرت حمزه (ع) به‌شدت گریه می‌کند. پس از آن حضرت رسول (ص) را می‌بوسد و برای فردا آماده نبرد می‌شود. رسول خدا (ص) تأکید کرده است که به من جفا نموده کسی که به زیارت من بیاید اما به زیارت حضرت حمزه (ع) نرود.

در وقایع مختلف جز درخشش و عظمت ایمانی و اخلاقی چیزی از او دفاع نمی‌شود؛ هم از قبل از هجرت و هم تا لحظه شهادت از روی آگاهی و بصیرت در کنار رسول خدا (ص) بود. حدود 4 آیه در قرآن کریم داریم که در شأن حضرت حمزه و امیرالمؤمنین (ع) نزل شده است. ان‌شاءالله زندگی ایشان الگویی برای زندگی اخلاقی، اجتماعی و سیاسی ما باشد.

# خطبه دوم

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید و الرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج)، حججک علی عبادک و أمنائک فی بلادک، ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[6]](#footnote-6)» عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

## توصیه به تقوا در نهج‌البلاغه

**«أَیهَا النَّاسُ کلُ امْرِئٍ لَاقٍ فِی فِرَارِهِ مَا مِنْهُ یفِرُّ وَ الْأَجَلُ مَسَاقُ النَّفْسِ إِلَیهِ وَ الْهَرَبَ مِنْهُ مُوَافَاتُهُ کمْ أَطْرَدْتُ الْأَیامَ أَبْحَثُهَا عَنْ مَکنُونِ هَذَا الْأَمْرِ فَأَبَی اللَّهُ عَزَّ ذِکرُهُ إِلَّا إِخْفَاءَهُ هَیهَاتَ عِلْمٌ مَکنُونٌ»[[7]](#footnote-7)**

این فراز نورانی از خطبه 149 نهج‌البلاغه بود. حضرت در جای‌جای این کتاب مردم را به تقوا دعوت می‌کنند. ایشان در این خطبه می‌فرمایند که مردم به یاد داشته باشید که همه انسان‌ها ازآنچه فرار می‌کنند بدان می‌رسند. همه انسان‌ها به طبع خود از مرگ فراری‌اند. در خود فرار به مرگ می‌رسند. مرگ از آن حقایقی است که سنت الهی آن را فراگرفته است و همان حال فرار حرکت به‌سوی مرگ است.

### عدم امکان فرار از مرگ

ما وقتی که از نقطه‌ای گریزان می‌شویم از آن دور می‌شویم اما سنت و واقعیت مرگ چنان بشر را دربر گرفته است که فرار از آن شتاب به‌سوی آن است. همان‌طور که هر فرد در زیر سایه خدا قرار دارد، شبه مرگ قدم‌به‌قدم انسان‌ها را همراهی می‌کند. اجل جلوی چشم شماست، به هرسوی که بروید در آینده‌ای نه‌چندان دور به شما خواهد رسید. به هر طرف که حرکت کنید، جلوی روی ما مرگ قرار دارد. تنها هنر انسان‌های متعالی این است که از مرگ نترسند و با دلی متصل به خدا از مرگ استقبال کنند. این نکته بزرگی است که امام در این خطبه می‌فرمایند؛ چقدر روزها را پشت سر گذاشتم و جستجوگر سر مرگ بودم. انسانی که با حقیقت هستی رابطه عمیق برقرار گرفته است، گام به‌سوی مرگ برای او گامی به‌سوی خداست.

روانی آرام و ضمیری مطمئن دارد. در این خطبه امام فریاد بیدار باشی بلند کرده است تا بشر را از این حالت رها کند و واقعیت مرگ را به او نشان دهد. امیدواریم خداوند به ما بهره‌برداری از این واقعیت الهی را عطا فرماید.

چند نکته را به‌طور فهرست‌وار اشاره می‌کنم؛

## سالروز حماسه تاریخی 19 دی

در همین ایام ما در آستانه 19 دی قرار داریم که از روزهای به‌یادماندنی در خاطره ملت ماست و در تقویم انقلاب ما در قم در سال 56 فراموش‌نشدنی است. آن زمان این حادثه در شهر قم شاید چندان ظهوری نداشت. حرکت شاید محدودی که جوانان طلاب قم به‌صورت آرام انجام دادند، مردم را به سمت انقلاب خواند. این جریان در زمانی واقع شد که خفقان کشور ما را گرفته بود. این انسان‌های ازجان‌گذشته به خاک و خون کشیده شد، اما نقطه عطفی شد برای حرکت‌های جدیدی که در روزهای بعدی صورت خواهد گرفت که کشور ما را به سمت استعمار داخلی حرکت داد.

توجه به 19 دی به ما نشان می‌دهد که کشور ما بر پایه ایمان داخلی استوار بود. هرگاه کشور بر ایمان به خدا استوار باشد، بی‌گمان پیشرفت خواهد کرد. نسل جوان ما شاید چندان برای او میسر نباشد وضعیت آن روز را درک کند. چراکه درک کردن برای کسی که آن را ندیده است واقعاً امری صعب است.19 دی در سال 56 قدمی به سمت نورانیت و انقلاب بود. نسل امروز بیش از همیشه نیاز به آگاهی به این تاریخ دارد. این حادثه بزرگ که به دست این کشور رقم خورد را باید بداند. ما امروز نیاز داریم نگاه عمیقی به گذشته داشته باشیم و بر اساس آن تجربه به آینده‌ای مطلوب برسیم.

### لزوم شناخت دقیق انقلاب

در سایه آن فداکاری و ایثار که در جامعه بود از 19 دی شروع شد. امروز نیز به این خصوصیات نیاز داریم که در این روز پایه‌گذاری شد. تلاش ما باید بر این باشد که تحلیل صحیحی را از آن به دست آورده و امروز را خوب بشناسیم. از هرگونه حرکتی که منجر به تحریف این حادثه شود باید پرهیز کرد. و این امر جز در سایه درایت و شناخت درست تاریخ میسر نیست. ما امیدواریم این شناخت برای نسل جوان و تحصیل‌کرده ما و به‌خصوص نسل دانشگاهی ما کما اینکه موردعنایت مسئولان و رهبر معظم انقلاب بوده است، به نحو صحیح رقم بخورد.

## لزوم اهتمام به امر کشاورزی

نکته دوم هفته کشاورزی بود که امروز روز آخر است. البته عزیزان ما در کشور، استان و شهر ما اقدامات خوبی انجام داده‌اند که باید از آن تشکر کنم. استحضار دارید که امر کشاورزی در دنیای صنعتی امروز نیز امری ضروری است و هیچ‌گاه کشاورزی خود را فدای امور دیگر نمی‌کنند. تولید محصولات ضروری کشاورزی مثل گندم امری ضروری است و در هیچ جا نسبت به آن غفلت نمی‌شوند. بلکه کشورهای بسیار پیشرفته تلاش کردند تا علم و قدرت خود را در خدمت کشاورزی قرار دهند.

### نقش کشاورزی در استقلال هر جامعه

چراکه ملتی که نتواند نیاز ثابت خود را در کشاورزی تأمین کند فوق‌العاده آسیب‌پذیر خواهد بود. ملت ما باید به این مطلب توجه کنند. هرگونه ضعفی در تولیدات کشاورزی ضعفی در عزت و عظمت کشور است. از شاخصه مهم عظمت و استقلال کشور در دنیای امروز این است که تولید انبوه محصولات کشاورزی وجود داشته باشد. بنا بر مصالحی که مجلس شورای اسلامی و دولت تشخیص دادند وزارت جهاد کشاورزی ادغام شد و این‌گونه تشخیص دادند که این کار درست است. در برنامه 5 ساله توسعه نیز در کنار سایر امور به مسئله کشاورزی توجه شده است، اما واقعیت این است که ما باید کشاورزی را در صدر برنامه‌ها قرار دهیم. بدون کشاورزی ما نمی‌توانیم از انقلاب، عزت و ناموس خود دفاع کنیم. برای ما جای خوشایندی نیست که پس از این همه پیشرفت هنوز در حال واردکردن گندم هستیم. داغ آن بر پیشانی ما زده شده است. همین‌طور محصولات دیگر نیز بدین‌صورت است. لذا در فرهنگ دولت و مردم باید این باشد که به کشاورزی به‌عنوان مقوله‌ای معنوی و ملی نگاه کنند. ما کشوری با امکانات بسیار زیاد و دشمنان بسیار هستیم.

استان‌هایی مثل استان یزد که از آب چندانی برخوردار نیست باید این فرهنگ در آن، جا بیفتد. کشاورزی باید به سمت علمی شدن برود، متأسفانه کشاورزی‌های ما بسیار سنتی است و باید به سمت قواعد علمی برود و این‌طور که متخصصان می‌گویند با این امکانات با روش علمی می‌توان چند برابر تولید داشت. نکته سوم ضرورت تعاون در امر کشاورزی است. و مجموع کشاورزان باید از نظر علمی پشتیبانی بشوند، به آن‌ها وام داده شود و بین کشاورزان همکاری باشد. زمین‌ها با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به آفت شناسی توجه شود.

### برخی از موانع رشد کشاورزی در کشور ما

نکته دیگر این است که کالاهایی که جزء کالاهای کشاورزی اصلی کشور هستند و قابل صادرات‌اند و می‌توانند برای کشور ارز بیاورند، باید وزارت جدید کشاورزی بدین امور توجه کند. کشاورزی برای جامعه کار تولید می‌کند. نکته دیگر در این باب اسرافی است که در جامعه ماست. الحمدلله با اینکه تولید ما بعد از انقلاب افزایش یافته ما هنوز در حال واردات گندم هستیم، یکی از علل آن اسراف ماست. از طرفی علمی در تولید کار نمی‌کنیم و از طرفی دیگر مصرف‌کننده و نانواها درست به وظیفه خود عمل نمی‌کنند. کشوری با این اوصاف در درازمدت نمی‌تواند به استقلال خود توجه داشته باشد و روی آن بایستد. ما باید از این بپردازیم که همه امور را سیاسی کنیم بلکه اموری مثل کشاورزی اموری علمی هستند. علی‌رغم اینکه باید اطلاع کافی درزمینهٔ کشاورزی داشته باشیم.

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعزّ الاجلّ الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین اللهم ارزقنی توفیق الطاعة بعد المعصیة صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله و اخذل الکفر و اهله.**

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-2)
3. المسد / 1 [↑](#footnote-ref-3)
4. النور / 36 [↑](#footnote-ref-4)
5. الزمر / 22 [↑](#footnote-ref-5)
6. . آل عمران، آیه 102. [↑](#footnote-ref-6)
7. الکافی (ط - الإسلامیة) / ج 1 / 299 / باب الإشارة و النص علی الحسن بن علی ع ..... ص: 297 [↑](#footnote-ref-7)